

مراکز ایران‌شناسی و آموزش زبان و ادبیات فارسی در آسیای مرکزی و قفقاز؛ ضرورت عبور از رویکردهای سنتی و ورود به فرایند تجاری‌سازی

ولی کوزه‌گر کالجی^۱

چکیده

ایران‌شناسی یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های فرهنگی و دیپلماسی عمومی ایران در سطح مناطق آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی به شمار می‌رود. متأسفانه با وجود ظرفیت بسیار ارزشمند ایران‌شناسی در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی و حمایت‌های مادی و معنوی که نهادهای مختلفی مانند وزارت علوم، تحقیقات و فناوری اطلاعات (معاونت زبان فارسی و ایران‌شناسی در معاونت گسترش زبان فارسی و ایران‌شناسی در خارج از کشور)، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی رایزنی‌های فرهنگی ایران در منطقه، بنیاد سعدی و بنیاد ایران‌شناسی از کرسی‌ها و مراکز ایران‌شناسی در سطح کشورهای مختلف این مناطق در ۲۵ سال گذشته داشته‌اند، اما واقعیت آن است که به دلیل عدم ورود به فرایند تجاری‌سازی زبان و ادبیات فارسی و ایجاد فرصت‌های شغلی برای فارغ‌التحصیلان کرسی‌های ایران‌شناسی، وضعیت کرسی‌های رقیب (روسی، چینی، انگلیسی، ترکی استانبولی، عربی و کردی و سایر زبان‌ها) در موقعیت و شرایط به مراتب بهتری قرار گرفته است و در بسیاری از نقاط شاهد تضعیف و کوچک شدن کرسی‌ها و مراکز ایران‌شناسی هستیم. از آنجا که لازمه هرگونه سیاستگذاری منسجم، یکپارچه و هدفمند، آگاهی از وضعیت ایران‌شناسی در هر یک از کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی است، لذا ضرورت دارد در یک مطالعه جامع و واقع‌بینانه، شرایط، مشکلات و چالش‌های این مراکز آسیب‌شناسی شود و راهکارهای عملی برون رفت از وضعیت کنونی به ویژه عبور از رویکردهای سنتی و ورود به فرایند تجاری‌سازی زبان و ادبیات فارسی و ایجاد فرصت‌های شغلی برای فارغ‌التحصیلان کرسی‌های ایران‌شناسی مورد مطالعه و تبیین قرار گیرد. **واژگان کلیدی:** ایران‌شناسی، آموزش زبان و ادبیات فارسی، آسیای مرکزی و قفقاز، رایزنی‌های فرهنگی، تجاری‌سازی.

^۱ پژوهشگر ارشد پژوهشکده تحقیقات راهبردی (مجمع تشخیص مصلحت نظام) و دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای (گرایش مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز) دانشگاه تهران

مقدمه

ایران‌شناسی و آموزش زبان و ادبیات فارسی به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های شرق‌شناسی، از سابقه بسیار طولانی در دوران امپراطوری روسیه تزاری و نیز اتحاد جماهیر شوروی برخوردار است و بخش مهمی از کرسی‌ها و مراکز کنونی ایران‌شناسی در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی را باید در واقع میراث تاریخی آن دوران دانست. شعبه مربوط به تدریس زبان عربی و فارسی در دانشگاه سن پترزبورگ، نخستین بار در سال ۱۸۱۸ افتتاح شد و کرسی ایران‌شناسی نیز در سال ۱۹۱۷ آغاز به کار کرد. گزارش‌های سیاسی، تاریخی و فرهنگی سیاحان و مورخان روسی از ایران عصر صفوی و قاجاری در کانون مطالعات شرق‌شناسی و ایران‌شناسی دوران روسیه تزاری قرار داشت. پس از وقوع انقلاب کمونیستی در روسیه و آغاز حاکمیت اتحاد جماهیر شوروی، مطالعات شرق‌شناسی از نظر شکلی و ماهوی به ویژه در زمینه روشی (شیوه‌های دیالکتیکی متأثر از رویکردهای ایدئولوژیک کمونیسم) و موضوعات مورد مطالعه (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و تاریخی) وارد مرحله جدید و متفاوتی شد. به عنوان مثال، رساله «پیگولوسکایا» درباره شهرهای ایران و تحقیق پتروشفسکی در مورد نهضت سربداران خراسان، نمونه‌هایی از روش‌های خاص ایران‌شناسان شوروی بوده است (مفتاح و ولی، ۱۳۷۲: ۲۵). در این مقطع، مطالعات شرق‌شناسی به صورت شایان توجهی در مسکو، سن پترزبورگ و بسیاری از مراکز جمهوری‌ها، از جمله جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز گسترش یافت. بارتولد، سترویف، دیاکونف، پیگولیوسکایا، دانداما یوف، پتروشفسکی از جمله بزرگ‌ترین شرق‌شناسان و ایران‌شناسان روسی به شمار می‌روند که در روند تحولات این حوزه نقش بسیار مهم و تاثیرگذاری را ایفا کرده‌اند.

این میراث تاریخی و فرهنگی پس از فروپاشی شوروی در اختیار فدراسیون روسیه و کشورهای مستقل آسیای مرکزی و قفقاز قرار گرفت و با وجود تمام مشکلات و فراز و نشیب‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دوران گذار، توانسته به حیات خود ادامه دهد. در طول بیست و پنج سال گذشته، کوشش اساتید و کارشناسان بومی این مناطق در شناسایی و معرفی فرهنگ و تمدن ایران و انتشار آثار ارزشمند در حوزه فرهنگ، اجتماع و سیاست ایران، بسیار شایان توجه و چشمگیر بوده است. همین امر موجب شده، کرسی‌ها و مراکز ایران‌شناسی تبدیل به یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های فرهنگی و دیپلماسی عمومی ایران در سطح مناطق آسیای مرکزی و قفقاز تبدیل شود. اما با وجود ظرفیت بسیار ارزشمند ایران‌شناسی در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی و حمایت‌های

مادی و معنوی که نهادهای مختلفی مانند وزارت علوم، تحقیقات و فناوری اطلاعات (معاونت زبان فارسی و ایران‌شناسی در معاونت گسترش زبان فارسی و ایران‌شناسی در خارج از کشور)، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی (رایزنی‌های فرهنگی ایران در منطقه)، بنیاد سعدی و بنیاد ایران‌شناسی از کرسی‌ها و مراکز ایران‌شناسی در سطح کشورهای مختلف این مناطق در ۲۵ سال گذشته داشته‌اند، در بسیاری از نقاط شاهد تضعیف و کوچک شدن کرسی‌ها و مراکز ایران‌شناسی و در مقابل تقویت کرسی‌های رقیب (روسی، چینی، انگلیسی، ترکی استانبولی، عربی، کردی و سایر زبان‌ها) هستیم. حالا با توجه به مطالب بالا، این پرسش مهم و اساسی پیش می‌آید که «دلیل تضعیف و کوچک شدن کرسی‌ها و مراکز ایران‌شناسی و آموزش زبان فارسی در مقابل تقویت کرسی‌های رقیب ایران در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز چیست؟»، در پاسخ به پرسش یاد شده، این فرضیه را می‌توان مطرح کرد، که «حاکمیت رویکردهای سنتی و عدم ورود به فاز تجاری‌سازی و ایجاد فرصت‌های شغلی و اقتصادی برای اساتید، کارشناسان و به ویژه دانشجویان و فارغ‌التحصیلان کرسی‌ها و مراکز ایران‌شناسی، موجب تضعیف و کوچک شدن آنها در مقابل کرسی‌های رقیب در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز شده است». مقاله پیش‌رو با مطالعه وضعیت کرسی‌ها و مراکز ایران‌شناسی و آموزش زبان فارسی در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز درصدد آزمون فرضیه یاد شده است، تا از این طریق ضمن آسیب‌شناسی، راهکارهای عملی برون‌رفت از وضعیت کنونی نیز مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

چارچوب مفهومی: تجاری‌سازی در علوم انسانی

امروزه نگرش‌ها نسبت به دانشگاه‌ها تغییر یافته و آنها علاوه بر پژوهش و آموزش، به ایفای نقش در جهت مأموریت جدید مشارکت در توسعه اقتصادی جامعه نیز می‌پردازند. تا چندی پیش، دانشمندان و پژوهشگران دانشگاه، از تجاری‌سازی امتناع می‌کردند و رسالت اصلی خود را فقط تولید دانش بدون توجه به کاربرد آن در عرصه تولید می‌دانستند. اما، این وضع به تدریج به خاطر فشار بر دانشگاه‌ها برای مشارکت در توسعه اقتصادی و فرصت‌هایی برای ایجاد ثروت، تغییر یافت. (Etzkowitz, 2003: 13) تحولات دهه‌های اخیر، از جمله جهانی شدن، افزایش رقابت فناورانه میان کشورهای، افزایش هزینه‌های ملی و جهانی و ایجاد شرایطی که دانشگاه‌ها را وادار به خودکفایی

مالی و ایجاد نقش‌های جدید در جوامع می‌سازد، افزایش تجاری‌سازی دانش و همچنین اهمیت پژوهش در زمینه تجاری‌سازی دانش را آشکار می‌سازد.

(Rasmussen et al., 2006: 78)

واقعیت این است که رویکرد پژوهش‌های تجاری‌سازی در کشور بیشتر در حوزه علوم طبیعی و فنی از جمله نانو، پزشکی، فنی و مهندسی، کشاورزی و غیره مطرح بوده است و با وجود اهمیت و جایگاه علوم انسانی در زندگی بشری، تجاری‌سازی در علوم انسانی و اجتماعی از رشد و جایگاه مناسبی در جوامع و به خصوص در ایران برخوردار نبوده و به آن پرداخته نشده است. در حالی که بخش بسیار بزرگی از فناوری‌ها، وابسته به دانش‌هایی است که در حوزه علوم انسانی و اجتماعی گسترده شده اند (نریمانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۸۳). دلیل این امر نیز به نگرشی بر می‌گردد که به فعالیت‌های آموزشی به ویژه در حوزه علوم انسانی به صورت کلاسیک به عنوان فعالیت خیرخواهانه، غیر انتفاعی و بدون چشم داشت مادی نگریسته است. در حالی که، در جهان امروز با توجه به تحولات جوامع از آن با اصطلاح «کسب و کار» یاد می‌شود. این مهم در نتیجه تغییر در پارادایم توسعه فناوری روی داده است که فناوری‌های سخت و مربوط به دنیای فیزیکی جای خود را به فناوری‌های نرم و صنایع فرهنگی می‌دهند که بیشتر برگرفته از علوم انسانی و اجتماعی هستند. تحولی که اکثر آینده پژوهان آن را پیش‌بینی کرده، در کانون توجه دولت‌ها و مراکز علمی جهان قرار گرفته و رقابت مبتنی بر فناوری نرم و فرهنگی، سایر رقابت‌ها را تحت‌الشعاع قرار داده است. (محمودپور، ۱۳۹۱: ۶)

حوزه ایران‌شناسی و آموزش زبان و ادبیات فارسی نیز از جمله حوزه‌های علوم انسانی است که از زاویه تجاری‌سازی و تولید ثروت و اشتغال کمتر به آن توجه شده است. این امر در رابطه با مراکز ایران‌شناسی و آموزش زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور از جمله مناطق آسیای مرکزی و قفقاز از اهمیت مضاعفی برخوردار است، چرا که به دلیل حاکمیت رویکردهای سنتی و عدم ورود به فاز تجاری‌سازی و ایجاد فرصت‌های شغلی و اقتصادی برای اساتید، کارشناسان و به ویژه دانشجویان و فارغ التحصیلان، نتوانسته متناسب با روند تغییر و تحولات کشورهای منطقه و تحرک و فعالیت کرسی‌های رقیب (روسی، چینی، انگلیسی، ترکی استانبولی، عربی، کردی و سایر زبان‌ها) گام بردارد. لذا این مقاله بر مبنای چارچوب مفهومی تجاری‌سازی کوشش خواهد کرد شناخت و درک بهتری از وضعیت مراکز ایران‌شناسی و آموزش زبان و

ادبیات فارسی در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز در مقایسه با وضعیت مراکز و کرسی های رقیب فعال در این مناطق به دست آورد.

ادبیات پژوهش

از ابتدای فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، در رابطه با وضعیت مراکز ایران‌شناسی و آموزش زبان و ادبیات فارسی در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز آثار متعددی در داخل کشور منتشر شده است. شاید بتوان کتاب «نگاهی به ایران‌شناسی و ایران‌شناسان کشورهای مشترک‌المنافع و قفقاز» از الهامه فتاح و وهاب ولی را از نخستین آثاری دانست که به فاصله کوتاهی پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۳۷۲ از سوی انتشارات بین‌المللی الهدی منتشر شده است (فتاح و وهاب ولی، ۱۳۷۲). کتاب «راهنمای مراکز و پژوهشگران ایرانی» تألیف مشترک بهاره سازمند و علی‌اشرف نظری نیز از جمله آثار شایان توجهی است که در بخشی از فصول آن، مراکز مهم ایران‌شناسی در آسیای مرکزی و قفقاز و نیز ایران‌شناسان بزرگ این مناطق معرفی شده‌اند (سازمند و نظری، ۱۳۸۵).

علاوه بر این، مقالات متعددی نیز به صورت موردی به مطالعه و بررسی وضعیت ایران‌شناسی در یکی از کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز پرداخته‌اند که به دلیل تمرکز بر یک کشور مشخص بسیار شایان توجه هستند. پیشینه ایران‌شناسی در ارمنستان (یحیی مسیحی، ۱۳۸۹)، مطالعات ایران‌شناسی در گرجستان (سلیمان‌زاده، ۱۳۹۲)، ایران‌شناسی در قزاقستان (کسایف، ۱۳۸۱)، ایران‌شناسان ازبکستان (عبدالصمداف و خالمون اف، ۱۳۸۴) و آثار ایران‌شناسی در دو جلد منتشر شده از طرف پژوهشگاه فرهنگ فارسی-تاجیکی و سفارت ایران در تاجیکستان (میرزا ملا احمد عمر، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷) از جمله آثار مهمی هستند که در این حوزه تألیف و منتشر شده‌اند.

در رابطه با وضعیت آموزش زبان و ادبیات فارسی در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز نیز مجموعه شناخت‌نامه زبان فارسی در جهان (معاونت امور بین‌الملل بنیاد سعدی، ۱۳۹۶) را می‌توان جامع‌ترین اثری دانست که اطلاعات بسیار ارزشمندی از وضعیت آموزش زبان و ادبیات فارسی در هر یک از کشورهای منطقه، تعداد اساتید و دانشجویان، مشکلات و چالش‌ها و مشکلات مراکز دانشگاهی و آموزشی هر کشور در روند آموزش زبان و ادبیات فارسی به دست می‌دهد. علاوه بر این می‌توان به مقالات و مصاحبه‌های متعددی اشاره کرد که به موضوع وضعیت آموزش زبان و ادبیات فارسی

در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز پرداخته‌اند. آموزش زبان فارسی در دوره معاصر در ازبکستان (انعام خواجه‌اف، ۱۳۷۸)، وضع آموزش زبان فارسی در قرقیزستان (ملاحت محمودا، ۱۳۸۱)، مراحل اساسی گسترش زبان فارسی و ایران‌شناسی در جمهوری قرقیزستان (آواز بیک آتاخانف، ۱۳۸۱)، زبان و ادب فارسی در قزاقستان امروز در گفت‌وگو با صفر عبدالله (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۱ خرداد ۱۳۹۴) و بررسی روند آموزش زبان فارسی در جمهوری آذربایجان (ایسنا، ۲۱ بهمن ۱۳۹۵) از جمله مهم‌ترین آثار این حوزه محسوب می‌شوند.

علاوه بر موارد یاد شده، می‌توان به انتشار نشریات تخصصی در این حوزه در داخل ایران و برخی از کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز اشاره کرد که به صورت پیوسته موضوعات مختلف فرهنگی و اجتماعی از جمله وضعیت مراکز ایران‌شناسی و آموزش زبان و ادبیات فارسی را مورد توجه قرار می‌دهند. فصل‌نامه روسی زبان «ایران نامه» که به همت دکتر صفرعبدالله، ایران‌شناس برجسته تاجیکی و با حمایت رایزنی فرهنگی ایران در قزاقستان منتشر می‌شود، مجله بین‌المللی «ایران و قفقاز» که به همت پروفیسور گارنیک آساتوریان در ایروان ارمنستان منتشر می‌شود، فصل‌نامه «پژوهش‌های ایران‌شناسی» که توسط دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران منتشر می‌شود، فصل‌نامه «مطالعات ایران‌شناسی» که از طرف بنیاد ایران‌شناسی منتشر می‌شود و نیز فصل‌نامه «مطالعات روابط فرهنگی بین‌المللی» که از طرف سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی منتشر می‌شود، از جمله نشریات مهمی هستند که وضعیت مراکز ایران‌شناسی و آموزش زبان و ادبیات فارسی در کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهند.

مرور و بررسی آثار منتشرشده نشان می‌دهد که عمده مباحث از زاویه فرهنگی، اجتماعی و علمی به موضوع پرداخته‌اند و کمتر از زاویه اقتصادی و تجاری‌سازی به موضوع وضعیت مراکز ایران‌شناسی و آموزش زبان و ادبیات فارسی در کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز توجه شده است. همین امر انجام یک مطالعه مستقل در رابطه با موضوع پژوهش را ضرورت می‌بخشد تا از زاویه جدید و متفاوتی به شرایط مراکز ایران‌شناسی و آموزش زبان و ادبیات فارسی در سطح این مناطق پرداخته شود و در شرایطی که کرسی‌های رقیب ایران (روسی، چینی، انگلیسی، ترکی استانبولی، عربی، کردی و سایر زبان‌ها) دست برتر را در منطقه پیدا کرده‌اند، راهکارهای عملی و واقع

بینانه برای احیا و تقویت مراکز ایران‌شناسی و آموزش زبان و ادبیات فارسی در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز ارائه شود.

مراکز و نهادهای متولی ایران‌شناسی و آموزش زبان فارسی

به منظور گسترش ایران‌شناسی، آموزش زبان فارسی و تقویت پیوندهای تاریخی، فرهنگی و تمدنی ایران در نقاط مختلف جهان از جمله در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز، نهادها و سازمان‌های مختلفی در داخل کشور ایجاد شده‌اند که نقش بسیار مهمی در زمینه تحرک و فعالیت کرسی‌ها و مراکز ایران‌شناسی بر عهده دارند، از این رو لازم است اشاره کوتاهی به هر یک از آنها صورت گیرد.

۱. **بنیاد ایران‌شناسی:** مؤسسه‌ای علمی و پژوهشی است که در سال ۱۳۷۶ توسط سید محمد خاتمی، رئیس جمهور وقت، زیر نظر نهاد ریاست جمهوری ایران تأسیس شد. ریاست عالی بنیاد با رئیس جمهوری اسلامی ایران است.^۲ بنیاد ایران‌شناسی در راستای اهداف و وظایف خود، با مراکز و کرسی‌های ایران‌شناسی ایران در سطح کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز در ارتباط است.

۲. **بنیاد سعدی:** این بنیاد در سال ۱۳۸۹ با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی به منظور تقویت و گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور و ایجاد تمرکز، هم‌افزایی و انسجام در فعالیت‌های مرتبط با این حوزه و بهره‌گیری بهینه از ظرفیت‌های موجود کشور، تأسیس شد.^۳ بعد از تأسیس بنیاد سعدی، به منظور متمرکز کردن فعالیت‌های مربوط به گسترش زبان و ادبیات فارسی، دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در بنیاد مذکور ادغام شدند. بنیاد سعدی در راستای اهداف

^۲ سازماندهی و هماهنگ کردن پژوهش‌های علمی در زمینه ایران‌شناسی به منظور بهره‌گیری از آنها در بنیاد و بکارگیری روش‌های مناسب و نو در این زمینه و یافتن شیوه‌های نو در پژوهش‌های بین‌رشته‌ای و پیشنهاد آنها به مؤسسه‌های علاقمند به مطالعه ایران‌شناسی در ایران و دیگر نقاط جهان از جمله اهداف مندرج در اساس‌نامه بنیاد ایران‌شناسی اعلام شده است.

^۳ طبق اساس‌نامه، بنیاد سعدی براساس اهداف، سیاست‌ها، راهبردها و ضوابط حاکم بر روابط فرهنگی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، مدیریت راهبردی و اجرای فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و رسانه‌ای را در حوزه گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور با هماهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی برعهده دارد.

و وظایف خود، گسترش زبان و ادبیات فارسی در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز، اعزام استاد و برگزاری نشست‌های فرهنگی مشترک و به ویژه حمایت از اتاق‌های ایران و مراکز آموزش زبان فارسی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی منطقه را بر عهده دارد.

۳. معاونت گسترش زبان فارسی و ایران‌شناسی در خارج از کشور: مرکز همکاری‌های علمی و بین‌المللی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با عنایت به وظیفه خاص خود در امر گسترش زبان و ادبیات فارسی و ایران‌شناسی در مراکز علمی و دانشگاهی جهان و دارا بودن ساختار سازمانی لازم در این خصوص، به‌طور مستقل تحت عنوان معاونت گسترش زبان فارسی و ایران‌شناسی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی خارج از کشور در این زمینه به فعالیت می‌پردازد. در سطح مناطق آسیای مرکزی و قفقاز نیز معاونت گسترش زبان فارسی و ایران‌شناسی در خارج از کشور، وظیفه شناسایی مراکز علمی و دانشگاهی دارای کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی، ایران‌شناسی، اعزام استادان زبان و ادبیات فارسی و اعطای بورس‌های تحصیلی با همکاری شورای پذیرش دانشجویان غیر ایرانی و تجهیز کتابخانه‌های بخش‌های زبان فارسی و ایران‌شناسی دانشگاه‌ها و مراکز علمی، تحقیقاتی و فرهنگی کشورهای منطقه را برعهده دارد.

۴. سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی (رایزنی‌های فرهنگی): این سازمان به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۷۴ تاسیس شد. رایزنی‌های فرهنگی مسئولیت اصلی اجرای اهداف و مأموریت‌های سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در کشورهای مختلف جهان را برعهده دارد.^۴ از نظر اداری و تشکیلاتی، مناطق آسیای مرکزی و قفقاز ذیل اداره کل آسیا و اقیانوسیه تعریف می‌شوند^۵ و رایزنی‌های فرهنگی ایران در منطقه از نقش مهم ارتباطی و پشتیبانی از اتاق‌های ایران، کرسی‌های ایران‌شناسی و مراکز آموزش زبان و ادبیات فارسی برخوردار هستند.

^۴ مدیریت و راهبری روابط فرهنگی بین‌المللی و سیاست‌گذاری، هماهنگی، هدایت، حمایت و نظارت بر فعالیت‌های فرهنگی-تبلیغی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور به منظور تحقق اهداف نظام در این روابط، از جمله اهداف و مأموریت‌های اصلی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی است

^۵ در مجموعه فعالیت‌های سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در پنج اداره کل آسیا و اقیانوسیه، آفریقا و عربی، اروپا و آمریکا، سازمان‌های بین‌المللی و مرکز بین‌المللی تبلیغ و در چارچوب موافقتنامه‌های فرهنگی میان ایران با کشورها و سازمان‌های بین‌المللی مختلف انجام می‌گیرد.

ایران‌شناسی و آموزش زبان فارسی در آسیای مرکزی

منطقه آسیای مرکزی که در منابع کهن عربی و فارسی از آن تحت عنوان «ماوراءالنهر»، «فرا رود»، «میان رودان»، «آسیای وسطی» و «ترکستان» و در منابع روسی با نام «آسیای میانه» یاد شده، یکی از کهن‌ترین مناطق تمدن بشری است که بیش از هر چیز، تاریخ دیرپای آن با کوچ‌نشینی اقوام ساکن در این منطقه و جاده تاریخی راه ابریشم پیوند خورده است. برای قرن‌های متمادی، آسیای مرکزی به عنوان پلی برای انتقال مردم، کالاها و اندیشه‌ها میان شرق دور با خاورمیانه و جهان غرب عمل می‌کرد، که این امر تأثیرات شگرفی را بر حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این منطقه برجای نهاده است. بخش مهمی از تحولات تاریخی، فرهنگی و تمدنی آسیای مرکزی در پیوند با تاریخ و فرهنگ ایران شکل گرفته است. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی موجب شد این پیوندهای عمیق و دیرپا مجدداً احیا شود، که فعالیت کرسی‌ها و مراکز ایران‌شناسی و نیز آموزش زبان و ادبیات فارسی از جمله نتایج مهم آن به شمار می‌رود. هرچند بنا به دلایل مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، سطح و میزان فعالیت این مراکز در پنج کشور آسیای مرکزی یکسان نبوده و از وضعیت متفاوتی برخوردار است. در این بخش، کوشش می‌شود به صورت خلاصه تصویری از وضعیت کرسی‌ها و مراکز ایران‌شناسی و نیز آموزش زبان و ادبیات فارسی در کشورهای آسیای مرکزی ارائه شود تا بر مبنای آن بتوان در رویکردی واقع‌بینانه و آسیب‌شناسانه، راهکارهای تقویت و گسترش این مراکز را در بخش‌های بعدی مطرح کرد.

جمهوری قزاقستان

آموزش زبان فارسی در قزاقستان از سال ۱۹۸۹ (۱۳۶۸) و قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در دانشگاه فارابی آلماتی آغاز شد و از آن مقطع تاکنون علاوه بر دانشگاه فارابی، دیگر دانشگاه‌های قزاقستان نظیر آبلای خان، آبای، تربیت معلم، اوراسیا (آستانا)، قزاق-عرب (چیمکنت)، ایسینوف (آکتائو) و حیدر محمد (تزار) نیز رشته زبان و ادبیات فارسی دایر شد و در برخی از مدارس شهر آلماتی نیز زبان فارسی تدریس می‌شد (شناخت‌نامه، بنیاد سعدی، ۱۳۹۶: ۱۹۸). طی سال‌های اخیر، فعالیت کرسی‌های ایران‌شناسی و اتاق ایران نیز در قزاقستان توسعه یافته است. در مجموع، تأسیس گروه ایران‌شناسی در دانشگاه اوراسیا، برگزاری کلاس‌های آموزش زبان فارسی و نیز المپیاد زبان فارسی در دانشگاه آبلای خان آلماتی، اعطای بورس تحصیلی در

ایران به دانشجویان قزاقی، انعقاد قرارداد دانشگاه آبلای خان با دانشگاه علامه طباطبایی برای انجام پژوهش‌های مشترک و اعزام استاد و دانشجو، از جمله مهم‌ترین فعالیت‌ها و اقداماتی است که در جمهوری قزاقستان با مشارکت و همکاری رایزنی فرهنگی^۱، بنیاد ایران‌شناسی، بنیاد سعدی و معاونت گسترش زبان فارسی و ایران‌شناسی در خارج از کشور صورت پذیرفته است. جمهوری قزاقستان از ایران‌شناسان و اساتید بزرگ و صاحب‌نامی در حوزه ایران‌شناسی و آموزش زبان و ادبیات فارسی برخوردار است که صفر عبدالله از ایران‌شناسان تاجیک‌تبار^۲، خانم مدینه آیشوا، مالک مرادف و ژنگیر زمزت از جمله مهم‌ترین این افراد به شمار می‌روند. با این وجود، مراکز آموزش زبان فارسی، اتاق‌ها و کرسی‌های ایران‌شناسی در قزاقستان در مقایسه با کرسی‌های رقیب و قدرتمندی از جمله زبان ترکی استانبولی و چینی، به دلیل عدم حمایت موثر و هدفمند از داخل ایران و نیز تحولات آموزشی و فرهنگی داخلی خود قزاقستان با چالش‌ها و مشکلات متعددی مواجه است. به‌گونه‌ای که طی سال‌های اخیر، بنا به دلایل متعدد از جمله تغییر سیاست‌ها و سیستم آموزشی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، نه تنها جایگاه زبان فارسی در دانشگاه‌ها و مجامع علمی افول کرده، بلکه در صورت عدم چاره‌جویی، زبان فارسی جایگاه خود را تا حد زیادی از دست خواهد داد» (شناخت نامه، بنیاد سعدی، ۱۳۹۶: ۱۹۸). به عنوان مثال، بیش از ۱۵ مدرسه آموزش زبان فارسی و نیز مرکز آموزش زبان فارسی در «دانشگاه خواجه احمد یسوی» ترکستان در سال‌های اخیر غیر فعال شده است. جدول‌های شماره ۱ و ۲ زیر گویای مراکز آموزش زبان فارسی و نیز اتاق‌های ایران در جمهوری قزاقستان است.

سال تاسیس رشته / واحد زبان فارسی	وضعیت آموزش زبان فارسی		نام دانشگاه	ردیف
	تعداد	عنوان رشته		

^۱ رایزنی فرهنگی ایران در قزاقستان نشریه‌ای به نام «طراز» را به زبان فارسی برای اساتید و دانشجویان قزاقی علاقه‌مند به فرهنگ و تمدن ایران منتشر می‌کند.

^۲ مجله «ایران‌نامه» از جمله نشریات معتبر ایران‌شناسی است که با همت و ابتکار دکتر صفرعبدالله به زبان روسی قزاقستان منتشر می‌شود و در اختیار علاقه‌مندان این حوزه قرار می‌گیرد.

	دانشجو			
۱۹۸۹	۱۳	زبان و ادبیات فارسی	دانشگاه فارابی	۱
۱۹۹۹	۲۵	زبان و ادبیات فارسی	دانشگاه آبلای خان	۲
۲۰۰۳	۱۵	واحد درسی اختیاری	دانشگاه تربیت معلم دخترانه ژمبو	۳
۱۹۹۵	۱۲	زبان و ادبیات فارسی	دانشگاه آبی	۴
۲۰۰۰	۳	-	دانشگاه اوراسیا (گمیلیوف)	۵
۲۰۱۰	۳۰	زبان دوم دانشجویان زبان و ادبیات فارسی	دانشگاه ایسینوف شهر آکتائو	۶
-	-	زبان و ادبیات فارسی	دانشگاه کاسپی شهر آکتائو	۷
۲۰۰۵	۸	زبان دوم دانشجویان زبان و ادبیات فارسی	دانشگاه کاینار	۸
۱۳۸۴	-	-	دانشگاه زبان های خارجی نظامی قزاقستان	۹
-	۷	-	دانشگاه کونایف	۱۰
-	۱۱	-	آکادمی کار و امور اجتماعی	۱۱

جدول شماره ۱: مراکز آموزش زبان فارسی در جمهوری قزاقستان. (شناخت‌نامه بنیاد سعدی، ۱۳۹۶: ۲۰۳-۲۰۴)

سال تاسیس	محل استقرار	ردیف
۱۳۷۵	اتاق ایران دانشگاه ملی فارابی	۱
۱۳۷۶	اتاق ایران دانشگاه روابط بین‌الملل و زبان‌های جهان (آبلیخان)	۲
۱۳۷۸	اتاق ایران دانشگاه آبی	۳
۱۳۸۰	اتاق ایران دانشگاه ژمپی	۴
۱۳۸۶	اتاق فرهنگ و تمدن ایران دانشگاه مختار عوض‌اف شهر چیمکنت	۵
۱۳۸۹	اتاق ایران دانشگاه ایسینوف شهر آکتائو	۶
۱۳۹۰ (تاسیس مجدد)	اتاق زبان فارسی مدرسه ۳۸	۷
۱۳۹۰ (تاسیس مجدد)	اتاق ایران و کلاس آموزش زبان فارسی دانشگاه اوراسیا	۸
-	اتاق ایران کتابخانه ملی جمهوری قزاقستان	۹

جدول شماره ۲: اتاق‌های ایران در جمهوری قزاقستان (شناخت‌نامه بنیاد سعدی، ۱۳۹۶: ۲۰۶)

جمهوری ازبکستان

شرق‌شناسی، ایران‌شناسی و آموزش زبان و ادبیات فارسی از پیشینه بسیار طولانی در ازبکستان برخوردار است. اولین آموزشگاه شرق‌شناسی ازبکستان در دوران شوروی، در زمینه سرزمین‌شناسی محلی فعالیت می‌کرد و مطالعه کشورهای خارجی شرق به مرور زمان به یک بخش از فعالیت‌های آن تبدیل شد. در نتیجه، موسسه شرق‌شناسی ترکستان در سال ۱۹۲۶ به دانشکده شرق‌شناسی دانشگاه دولتی آسیای مرکزی تبدیل گردید. در آن زمان، دانشکده شرق‌شناسی از بخش‌های فیلولوژی (زبان و ادبیات) و یدآگوزی (تربیت معلمان) تشکیل می‌شد و در کنار آن عرب‌شناسی، ترک‌شناسی، اسلام‌شناسی و ایران‌شناسی از علوم اصلی به شمار می‌رفتند (انعام خواجه‌یف، ۱۳۷۸: ۹۷). قرار گرفتن میراث غنی فرهنگی و تاریخی دو شهر تاجیکی و فارسی‌زبان سمرقند و بخارا در ترکیب جمهوری تاجیکستان، نقش مهمی در تربیت و پرورش ایران‌شناسان بزرگ ازبکی در دوران شوروی و نیز پس از استقلال ازبکستان داشته است، که ارگش آپیل اف، لطیف خلیل‌اف، قوام‌الدین منیراف، اوتندل ارکین‌اف، عالم جان دولت‌پور، عظمت ضیایف، احمد قران بیک‌اف، الیاس نظام‌الدین‌اف، عوض بیک واحداف، علی ملاحیب الله، فتح الله عبدالله‌یف، گلخمار تویچی آوا، گلچهره نوروز آوا، احمد عبدالله‌یف، از جمله مشهورترین آنها به شمار می‌آیند. پس از استقلال ازبکستان و با وجود سیاست های محافظه‌کارانه اسلام کریم‌اف در قبال ایران و حساسیت‌های خاصی که در قبال دو شهر تاجیک‌نشین سمرقند و بخارا از ناحیه دولت ازبکستان وجود داشت، اتاق‌های زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌ها و دبیرستان‌های مختلف این کشور با حمایت سفارت و رایزنی فرهنگی ایران در ازبکستان گشایش یافت که اسامی آنها در جدول شماره ۳ آمده است.

ردیف	محل استقرار	سال تاسیس
۱	دانشگاه دولتی خاورشناسی تاشکند	۱۹۹۹
۲	لیتسه (دبیرستان) شماره ۳۲۵ یونس‌آباد دانشگاه خاورشناسی	۲۰۰۲
۳	دانشگاه دولتی تربیت مدرس نظامی گنجوی تاشکند	۲۰۰۲
۴	دانشگاه اسلامی تاشکند	۲۰۰۳
۵	لیتسه (دبیرستان) زبان‌های شرق وابسته به دانشگاه دولتی خاورشناسی تاشکند	۲۰۰۴
۶	دانشگاه ملی ازبکستان موسوم به میرزا الغ‌بیک	۲۰۰۴
۷	دانشگاه دولتی تربیت معلم استان تاشکند (شهر انگرین)	۲۰۰۵
۸	دانشگاه دولتی سمرقند	۲۰۰۳
۹	انستیتیوی زبان‌های خارجی سمرقند	۲۰۰۴
۱۰	دانشگاه دولتی بخارا	۲۰۰۳
۱۱	دانشگاه دولتی ترمذ (استان سرخاندریا)	۲۰۰۰

۲۰۰۳	دانشگاه دولتی اورگنج (استان خوارزم)	۱۲
۲۰۰۵	دانشکده زبان و ادبیات ازبکی دانشگاه ملی ازبکستان	۱۳

جدول شماره ۳: اتاق‌های زبان و ادبیات فارسی ایران در جمهوری ازبکستان (رایزنی فرهنگی ایران در تاشکند)

فصل‌نامه علمی، ادبی، فلسفی و عرفانی «سینا» نیز به دو زبان روسی و فارسی از سوی رایزنی فرهنگی ایران در ازبکستان منتشر و در اختیار مخاطبین ازبکی قرار می‌گیرد. پس از درگذشت اسلام کریم‌اف و به قدرت رسیدن شوکت میرضیایف و با توجه به بهبود مناسبات سیاسی ایران و ازبکستان، انتظار می‌رود در حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی نیز گشایش بیشتری در روابط دو کشور حاصل شود و ایران‌شناسی و آموزش زبان و ادبیات فارسی در ازبکستان از گسترش بیشتری برخوردار گردد.

جمهوری قرقیزستان

به دلیل فرهنگ مشترک و گرایش‌های فرهنگی قرقیزستان به ایران به ویژه در قسمت‌های جنوبی، زبان فارسی مورد توجه قرار گرفته و از سال ۱۹۹۵ در دانشکده خاورشناسی دانشگاه علوم انسانی بیشکک میلادی زبان فارسی تدریس می‌شود. هم‌زمان با فعالیت رایزنی‌های فرهنگی، توجه بیشتری نسبت به فراگیری زبان فارسی جلب شده است، به گونه‌ای که در سال‌های اخیر، زبان فارسی به عنوان زبان دوم در مدارس قرقیزی تدریس می‌شود. هم‌اکنون در دانشگاه‌های علوم انسانی قرقیزستان، دانشگاه ملی، کالج عالی اوش، دانشگاه آربایف، دانشگاه اسلاویانسکی بیشکک، دانشگاه دولتی ملی - اوش و بسیاری از مدارس قرقیزستان، به‌علاقه‌مندان زبان فارسی آموزش داده می‌شود (شناخت‌نامه، بنیاد سعدی، ۱۳۹۶: ۲۲۰ - ۲۲۱). علاوه بر این، فصل‌نامه ادبی دو زبانه فارسی - قرقیزی نیز از سوی رایزنی فرهنگی ایران در قرقیزستان منتشر و در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. مرکز اسلام‌شناسی و ایران‌شناسی در دانشکده علوم انسانی قرقیزستان نیز با حمایت سفارت ایران در بیشکک نوسازی و در شهریور ۱۳۹۶ به تجهیزات رایانه‌ای و سمعی و بصری مجهز شد. با این وجود، کرسی‌ها و مراکز آموزش زبان فارسی در قرقیزستان با مشکلات و چالش‌های متعددی از جمله عدم حمایت مالی و فرصت‌های شغلی برای فارغ‌التحصیلان این حوزه مواجه هستند. جدول‌های شماره ۴ و ۵ گویای مراکز آموزش زبان فارسی و نیز اتاق‌های ایران در جمهوری قرقیزستان است.

ردیف	نام دانشگاه	وضعیت آموزش زبان فارسی		سال تاسیس رشته / واحد زبان فارسی
		عنوان رشته	تعداد دانشجویان	
۱	دانشگاه قرقیزی - روسی اسلاویایی	دین شناسی، اقتصاد جهانی و خبرنگاری	۲۹	۱۹۹۷
۲	دانشگاه علوم انسانی بیشکک	شرق شناسی و روابط بین الملل، ارتباط میان فرهنگ ها، اقتصاد، تاریخ، زبان شناسی	۱۹ نفر زبان اول؛ ۱۳ نفر زبان دوم	۱۹۹۲
۳	دانشگاه ملی اوش	-	-	۲۰۰۰
۴	دانشگاه دولتی تربیت معلم آریایف	منطقه‌شناسی / روابط بین‌الملل	۵	۱۹۹۷
۵	آکادمی وزارت خارجه	زبان و ادبیات فارسی	۳	۲۰۱۳
۶	دانشگاه ملی قرقیزستان	شرق‌شناسی	۱۹	۱۹۹۵

جدول شماره ۴: مراکز آموزش زبان فارسی در جمهوری قرقیزستان (شناخت‌نامه بنیاد سعدی، ۱۳۹۶: ۲۲۷)

ردیف	محل استقرار	سال تاسیس	عناوین فعالیت‌ها
۱	مدرسه چنگیز آمیتانف	-	آموزش زبان و ادبیات فارسی
۲	دانشگاه علوم انسانی	۱۹۹۲	فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی درباره زبان و ادبیات فارسی و ایران در همه ابعاد سیاسی، جغرافیا، تاریخ، دین
۳	دانشگاه دولتی آریایف	۱۹۹۸	فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی درباره زبان و ادبیات فارسی و ایران در همه ابعاد سیاسی، جغرافیا، تاریخ، دین
۴	اسلاویایی	۱۹۹۷	فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی درباره زبان و ادبیات فارسی و ایران در همه ابعاد سیاسی، جغرافیا، تاریخ، دین
۵	آکادمی وزارت خارجه	-	ایران‌شناسی
۶	مدرسه شماره ۲ بیشکک	-	-
۷	مدرسه شماره ۶۶ بیشکک	۲۰۱۵- ۲۰۱۶	آموزش زبان فارسی
۸	مدرسه شماره ۶۶ بیشکک	۲۰۱۵- ۲۰۱۶	آموزش زبان فارسی
۹	مدرسه شماره ۲	-	-

جدول شماره ۵: اتاق‌های ایران در جمهوری قرقیزستان (شناخت‌نامه بنیاد سعدی، ۱۳۹۶: ۲۲۹)

جمهوری تاجیکستان

از نظر میزان قرابت و تجانس فرهنگی، قومی و زبانی، جمهوری تاجیکستان از بیشترین نزدیکی با ایران برخوردار است. از این‌رو، آموزش زبان و ادبیات فارسی و ایران‌شناسی در تاجیکستان از دوران شوروی از اهمیت بسیار بالایی نزد تاجیک‌ها برخوردار بوده است. صدرالدین عینی، ابوالقاسم لاهوتی، پیرو سلیمانی و عبدالقادر محی‌الدین‌اف نقش بسیار مهمی را در معرفی فرهنگ و تمدن ایرانی به تاجیکستان در دوران شوروی داشتند. کرسی فیلولوژی (زبان و ادبیات) ایران از جمله مراکز مهم آموزش زبان فارسی و ایران‌شناسی بود که در دوران شوروی در جمهوری تاجیکستان تاسیس شد. پس از فروپاشی شوروی و استقلال تاجیکستان، فضا و زمینه جدیدی برای آموزش زبان فارسی و ایران‌شناسی فراهم شد و افرادی مانند عمر صفراف، میرزا محی‌الدین‌اف، روزی‌گل مؤمن‌زاده، قربانعلی ادریس‌اف (سرپرست بنیاد بین‌المللی ایران‌شناسی روسیه در مسکو) و میرزا ملا احمد عمر در زمینه شناسایی فرهنگ و تمدن ایران به تاجیک‌ها، گام‌های مهمی را برداشتند. با حمایت سفارت و رایزنی فرهنگی ایران در تاجیکستان، بیش از ۱۰ کتابخانه، اتاق مطبوعات ایران و اتاق زبان و ادبیات فارسی در شهرهای مختلف این کشور راه اندازی شد که اسامی آنها در جدول‌های شماره ۶ و ۷ آمده است.

ردیف	نام کتابخانه	محل استقرار
۱	کتابخانه ملی فردوسی	دوشنبه
۲	رودکی	دوشنبه
۳	امیرکبیر	کولاب
۴	ایرانیان	مدرسه عالم دادخواه واقع در مسجد محمد بن بشارا در شهر پنجکنت
۵	ایران	ناحیه دربند از نواحی تابع مرکز در روستای یخچ
۶	مدرسه مستچاه	ناحیه مستچاه ولایت سغد
۷	کاخ معرفت	ناحیه کان بادام استان سغد
۸	موزه رودکی	روستای رودک پنج رود در پنجکنت
۹	عینی	روستای یوانو
۱۰	ورزاب	مسجد ناحیه ورزاب
۱۱	کتابخانه رایزنی فرهنگی سفارت ایران	دوشنبه

جدول شماره ۶: کتابخانه‌های احداث‌شده از سوی ایران در جمهوری تاجیکستان

ردیف	نام	محل استقرار
۱	اتاق مطبوعات ایران	دانشکده روزنامه‌نگاری و ترجمه دانشگاه دولتی ملی در شهر دوشنبه
۲	اتاق ایران	دانشکده زبان و ادبیات دانشگاه دولتی ملی شهر دوشنبه
۳	مرکز ایران‌شناسی	درانستیتوی زبان و ادبیات رودکی وابسته به آکادمی علوم تاجیکستان در شهر دوشنبه
۴	اتاق ایران	دانشگاه دولتی خجند به نام باباجان غفوراف در شهر خجند
۵	اتاق ایران	دانشگاه اسلاویانی روسیه و تاجیکستان
۶	اتاق فرهنگی ایران و تاجیکستان	دانشگاه آموزگاری
۷	اتاق فرهنگ ایران	دانشگاه کشاورزی
۸	اتاق فرهنگ ایران	دانشگاه تجارت
۹	اتاق فرهنگ ایران	دانشگاه نظامی
۱۰	اتاق فرهنگ ایران	دانشگاه خاروغ
۱۱	اتاق ایران	دانشگاه دولتی زبان‌ها
۱۲	اتاق ایران	دانشگاه هنر
۱۳	اتاق ایران	دانشکده رادیو و تلویزیون جمهوری تاجیکستان

جدول شماره ۷: مراکز مهم فرهنگی و آموزشی ایران در جمهوری تاجیکستان

پس از سردی و کاهش سطح مناسبات سیاسی ایران و تاجیکستان در دو سال گذشته، وضعیت همکاری‌های فرهنگی دو کشور نیز تحت تاثیر قرار گرفته است، که عدم حضور رایزن فرهنگی ایران در تاجیکستان (پس از بازگشت ابراهیم خدایار به ایران)، تعطیلی نمایندگی فرهنگی ایران در شهر خجند و ایجاد محدودیت برای اعزام دانشجویان و اساتید تاجیکی به ایران از جمله موارد مهم این تاثیرگذاری منفی به شمار می‌رود.

جمهوری ترکمنستان

با وجود پیوندهای کهن و نزدیکی که میان ایرانیان و ترکمن‌ها وجود دارد و نیز ایران شناسان بزرگ ترکمنی نظیر هماد آتایویچ آتایف، سرگی گریگوریویچ آقاجانف و کمیساروف دانیل سموایلوویچ که در دوران شوروی فعالیت داشتند، به دلیل سیاست‌های محافظه‌کارانه و امنیتی دولت ترکمنستان، فضا و شرایط مناسبی برای فعالیت

کرسی‌های ایران‌شناسی و مراکز آموزش زبان فارسی در این کشور وجود ندارد. به همین دلیل، گرچه از دیرباز زبان فارسی در دانشگاه‌های «عشق‌آباد» و «مختوم‌قلی» یا مدارس و دبیرستان‌های آن کشور تدریس می‌شد، ولی براساس اطلاعات موجود، به احتمال زیاد، این درس‌ها تعطیل شده و این دانشگاه‌ها هیچ‌گونه ارتباطی با رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ندارند. این محدودیت‌ها به طور مشخص از سال ۲۰۰۲ میلادی برای آموزش زبان فارسی ایجاد شد و به مدارس ترکمنستان از این تاریخ به بعد مجوز آموزش زبان فارسی داده نمی‌شود. وزارت امور خارجه این کشور طی یادداشتی به سفارت ایران در عشق‌آباد اعلام کرد که ثبت نام اتباع ترکمنی در مدرسه جمهوری اسلامی ایران ممنوع است و اتباع ترکمنی حق ثبت نام و تحصیل در مجتمع آموزشی ایرانیان را ندارند. در حال حاضر، تنها دوره‌های آموزش زبان فارسی در مرکز آموزش رایزنی فرهنگی ایران دایر است و به عبارتی دیگر در سطح دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی این کشور امکان آموزش و تدریس ایران‌شناسی و زبان و ادبیات فارسی وجود ندارد و با وجود اساتیدی مانند آی سلطان آقایوا، سابینا عزیزوا، تاجیوا نورنات و گلشاد خان علیوا، در حال حاضر، کرسی و مدارس آموزش زبان فارسی در دانشگاه مختوم‌قلی و هنرستان گلرخ ترکمنستان غیر فعال است (شناخت‌نامه، بنیاد سعدی، ۱۳۹۶: ۲۱۳).

ایران‌شناسی و آموزش زبان فارسی در قفقاز جنوبی

«قفقاز» که در منابع کهن فارسی (سکایی) با عنوان «کروی‌خاسیس» به معنی یخ درخشان و سفید، یاد شده و در منابع یونانی، عربی و روسی با نام‌هایی چون «کائوکاسوس»، «القوقاز» و «کاوکاز» شناخته شده است، به دو بخش قفقاز شمالی تحت حاکمیت روسیه (داغستان، چچن، اینگوش، کاباردینو-بالکاریا، قراچای چرکیس و اوستیای شمالی) و قفقاز جنوبی دارای سه کشور مستقل ارمنستان، گرجستان و جمهوری آذربایجان تقسیم می‌شود. قفقاز تاریخ بسیار پرفراز و نشیبی دارد که بخش مهمی از آن به ارتباطات و پیوندهای عمیق و دیرپای این منطقه با فرهنگ و تمدن ایران برمی‌گردد. کمتر منطقه‌ای در قفقاز از ایروان، قره‌باغ، نخجوان، لنکران، باکو و تفلیس تا اوستیای شمالی و جنوبی، آبخازیا، داغستان، چچن و دربند می‌توان یافت که نشانه‌ای از فرهنگ و تمدن ایرانی در زبان و گویش‌های محلی، آداب و رسوم، موسیقی و معماری نداشته باشد. اما این ارتباط هیچ‌گاه یک‌سویه نبوده است و منطقه قفقاز نیز با ظرفیت بسیار

بالای تاریخی، فرهنگی و تمدنی بر فرهنگ و تمدن ایران تأثیرگذار بوده است. در دوران معاصر بخش‌های مهمی از سرزمین‌های قفقاز به موجب دو قرارداد گلستان (۱۸۱۳ میلادی) و ترکمنچای (میلادی ۱۸۲۸) از ایران جدا شد، اما این امر به معنی قطع ارتباط منطقه قفقاز با ایران نبود. در روند تحولات پرشتاب و پیچیده قرن‌های نوزدهم و بیستم میلادی، منطقه قفقاز دروازه ورود افکار و اندیشه‌های جدید و تحول‌خواه به ایران بود و بخش مهمی از تاریخ مشروطیت ایران و نیز تحولات مهم حوزه هنری در شاخه‌های مختلف موسیقی، تئاتر و سینمای ایران بسیار از منطقه قفقاز متأثر شد (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۶: ۵-۶). به واسطه همین قرابت‌ها و تحولات است که ایران‌شناسی و آموزش زبان و ادبیات فارسی در منطقه قفقاز اعم از قفقاز شمالی که اکنون تحت حاکمیت فدراسیون روسیه قرار دارد^۸ و نیز قفقاز جنوبی که شامل سه کشور گرجستان، ارمنستان و جمهوری آذربایجان است، از تاریخ و قدمت بسیار طولانی و عمیقی برخوردار باشد. در ادامه به صورت خلاصه به پیشینه و وضعیت کنونی ایران‌شناسی و آموزش زبان و ادبیات فارسی در سه کشور قفقاز جنوبی اشاره می‌شود.

جمهوری گرجستان

توسعه ایران‌شناسی در گرجستان به مفهوم جدید آن، همزمان با تاسیس قدیمی‌ترین دانشگاه این کشور یعنی «دانشگاه دولتی تفلیس» آغاز شد. در واقع، از همان آغاز تاسیس دانشگاه مزبور، کوشش‌های زیادی در راستای ترویج ایران‌شناسی انجام گردید. پس از تاسیس دانشکده خاورشناسی دانشگاه تفلیس در سال ۱۹۴۵، مطالعات در این زمینه روزبه‌روز رونق بیشتری پیدا کرد (مفتاح و ولی، ۱۳۷۲: ۱۸۶). از پیشگامان برجسته ایران‌شناسی در گرجستان می‌توان از ایوان جاواخیشویلی در حوزه تاریخ، یوستین آبولادزه در حوزه ادبیات‌شناسی و گئورگی آخوالدیانی در زمینه زبان‌شناسی نام برد. این افراد گام‌های بزرگی در راستای شکل‌گیری و استقرار ایران‌شناسی در گرجستان برداشتند. پس از فروپاشی شوروی و استقلال گرجستان، زمینه و فضای مناسبی برای گسترش آموزش زبان و ادبیات فارسی و ایران‌شناسی در گرجستان فراهم

^۸ مطالعه و بررسی ایران‌شناسی و آموزش زبان و ادبیات فارسی در قفقاز شمالی از جمله در قازان مجال و فرصت جداگانه‌ای را می‌طلبد و در حال حاضر تحولات آن را باید ذیل تحولات ایران‌شناسی در روسیه مورد توجه و مطالعه قرار داد.

شد. در این شرایط، جامعه ایرانیان گرجی‌تبار به ویژه در فریدون شهر اصفهان نقش بسیار مهمی در تقویت مناسبات فرهنگی ایران و گرجستان داشتند. جمشید گیوناشویلی از جمله ایرانیان گرجی‌تبار و ایران‌شناسان بزرگ گرجی بود که در دهه ۱۹۹۰ میلادی مسئولیت سفارت گرجستان در تهران را بر عهده داشت. الکساندر چولوخادزه، نومیادی بارتایا، گریگول برادزه، تدو دوندوا و گیورگی سانیکیدزه از دیگر ایران‌شناسان گرجی هستند که در زمینه آموزش زبان و ادبیات فارسی و ایران‌شناسی گام‌های مهم و ارزشمندی را در گرجستان برداشتند. با حمایت سفارت و رایزنی فرهنگی ایران در گرجستان، مراکز متعددی در زمینه زبان و ادبیات فارسی و ایران‌شناسی در مراکز آموزشی و دانشگاهی این کشور ایجاد شده، که اسامی آنها در جدول‌های شماره ۸ و ۹ آمده است.

ردیف	نام	توضیحات
۱	دانشگاه دولتی تفلیس	کرسی تاریخ کشورهای شرق کرسی زبان‌شناسی ایرانی کرسی تاریخ ممالک آسیا و آفریقا
۲	انستیتوی تاریخ گرجستان	-
۳	آکادمی علوم گرجستان	بخش زبان‌شناسی فارسی انستیتوی خاورشناسی بخش تاریخ قرون وسطای ممالک خاور نزدیک انستیتوی خاورشناسی بخش تاریخ معاصر ممالک خاور نزدیک انستیتوی خاورشناسی بخش ماخذشناسی و نشر منابع تاریخی انستیتوی تاریخ و مردم‌شناسی

جدول شماره ۸: مراکز ایران‌شناسی در گرجستان (سلیمان‌زاده، ۱۳۹۲)

ردیف	نام	توضیحات
۱	دانشگاه دولتی تفلیس (ایوانه جاخیشویلی)	در دانشکده علوم انسانی بخش زبان‌های شرقی، زبان و ادبیات فارسی در گروه ایران‌شناسی تدریس می‌شود.
۲	دانشگاه دولتی ایلیا چاوچاوادزه	در دانشکده هنر و علوم دانشکده علوم انسانی، بخش ایران‌شناسی زبان و ادبیات فارسی تدریس می‌شود.
۳	دانشگاه دولتی کوتایسی (اکاکی تسرتلی)	شهر کوتایسی در ۳۰۰ کیلومتری شهر تفلیس قرار دارد. در بخش زبان‌های شرقی در دانشکده علوم انسانی رشته ایران‌شناسی با سابقه- ای ۲۰ ساله تدریس می‌شود.
۴	دانشگاه گرجستان	دانشگاه گرجستان یک دانشگاه خصوصی است که وابسته به دانشگاه ایالتی جرجیا در شهر آتلانتای امریکاست. در سال ۱۳۹۲

رسماً بخش شرق‌شناسی (رشته ایران‌شناسی، ترک‌شناسی و عرب‌شناسی) در دانشکده علوم انسانی افتتاح شد و در حال حاضر دانشجویان در سه مقطع اول، دوم و سوم کارشناسی ایران‌شناسی مشغول به تحصیل هستند.		
در دانشکده آسیا و آفریقا بخش روابط بین‌الملل - خاورمیانه و دور زبان و ادبیات فارسی تدریس می‌شود.	دانشگاه آزاد	۵
در دانشکده علوم انسانی، بخش شرق‌شناسی در رشته روابط بین‌الملل، مطالعات ایران تدریس می‌شود که توجه خاصی به تاریخ و سیاست ایران به ویژه دوره معاصر دارد. این دانشگاه دارای اتاق ایران است.	دانشگاه بین‌المللی قفقاز	۶

جدول شماره ۹: مراکز آموزش زبان و ادبیات فارسی در گرجستان (شناخت‌نامه بنیاد سعدی، ۱۳۹۶: ۱۸۳-۱۸۴)

در سال ۱۹۹۲ بر اساس دستور ریاست جمهور وقت گرجستان و فرمانی که از طرف وی خطاب به دستگاه‌های فرهنگی این کشور صادر می‌شود، وزارت آموزش و علوم جمهوری گرجستان موظف می‌شود به منظور ارتقای سطح آموزش زبان‌های شرقی در مدارس گرجستان (عربی، فارسی، ترکی و عبری)، زبان فارسی به عنوان یکی از زبان‌های خارجی در آموزشگاه‌های عمومی و عالی کشور در برنامه درسی منظور و در سطوح آموزشگاه‌های گرجستان تدریس شود. از این رو، فراگیری زبان فارسی جز مواد اصلی درسی دانش‌آموزان چند مدرسه در تفلیس قرار گرفت. اما از سال ۲۰۰۵ بر اساس سیاست‌های آموزشی دولت گرجستان و با توجه به اصلاحات انجام شده در سیستم آموزشی این کشور، دولت فقط از دو زبان خارجی (یکی از زبان‌های غربی که عمدتاً انگلیسی به عنوان زبان اول و روسی به عنوان زبان دوم) حمایت می‌کند و مدارس موظفند برای این دو زبان برنامه‌ریزی کرده و لذا برنامه مدون مدارس برای این دو زبان اجرا می‌شود. بنابراین زبان سوم که عمدتاً شامل زبان‌های شرقی است در صورت حمایت کشورهای مربوطه از نظر مالی و نیز تجهیز و پشتیبانی، مورد تدریس و آموزش قرار خواهد گرفت، که تدریس آنها بنا به نوع برنامه‌ریزی از سوی مدیران مدارس قابل اجرا است. با حمایت‌های مالی رایزنی فرهنگی از سال ۱۳۸۸ تا امروز، زبان فارسی در چهار مدرسه به عنوان زبان اختیاری سوم دو ساعت در هفته تدریس می‌شود (شناخت‌نامه بنیاد سعدی، ۱۳۹۶: ۱۸۵). علاوه بر این، تاکید نظام آموزشی گرجستان بر آموزش زبان انگلیسی پس از وقوع انقلاب رنگی (گل رز) در سال ۲۰۰۳ میلادی، خصوصی شدن فزاینده دانشگاه‌های گرجستان و ضرورت پرداخت شهریه برای ادامه تحصیل به موازات عدم وجود فرصت‌های شغلی و درآمدی لازم و مناسب

برای فارغ التحصیلان از جمله مشکلات و چالش‌های مهم رشته زبان و ادبیات فارسی و کرسی‌های ایران‌شناسی در جمهوری گرجستان به حساب می‌آید.

جمهوری آذربایجان

جمهوری آذربایجان در بین کشورهای منطقه قفقاز، از بیشترین و عمیق‌ترین پیوندهای فرهنگی، قومی، مذهبی و زبانی با ایران برخوردار است. سابقه ایران‌شناسی و آموزش زبان و ادبیات فارسی به صورت نظام‌مند و مدرن در جمهوری آذربایجان به دوران اتحاد جماهیر شوروی بر می‌گردد. تاسیس شعبه شرق‌شناسی دانشگاه باکو در سال ۱۹۲۲، انستیتو خاورشناسی آکادمی علوم آذربایجان در ۱۹۵۸ و انستیتو نسخ خطی^۹ در سال ۱۹۵۰، زمینه و بستر مناسبی برای رشد آموزش زبان فارسی و ایران‌شناسی فراهم کرد و اساتید بزرگی مانند میرزا محسن ابراهیمی، علی آذری، رحیم سلطان‌اف، احمد شفایی، علی اکبر او، محمد علیزاده، خانم منظره محمداوا، خانم عصمت محمداوا، خانم تهمینه رستم او، طاهر محرم‌اف، ابوافضل رحیم‌اف، علی عباس‌اف، علی بالا حاجی‌زاده و توفیق جهانگیراف در چنین بستری پرورش یافتند که بخش مهمی از میراث کنونی آموزش زبان فارسی و ایران‌شناسی در جمهوری آذربایجان، مدیون کوشش‌های این افراد است. در حال حاضر، کرسی زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه دولتی باکو و شعبه ایران‌شناسی در آکادمی ملی علوم جمهوری آذربایجان، مهم‌ترین مراکز آموزش زبان فارسی و ایران‌شناسی در این کشور محسوب می‌شوند. مجله مشترک «مسایل زبان و ادبیات فارسی» با همکاری رایزنی فرهنگی ایران در آذربایجان و دانشگاه دولتی باکو نیز منتشر و در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. طی سال‌های اخیر، با حمایت رایزنی فرهنگی و سفارت ایران در باکو، مراکز متعددی برای آموزش زبان و ادبیات فارسی در مراکز آموزشی و دانشگاهی جمهوری آذربایجان ایجاد شده، که اسامی آنها در جدول شماره ۱۰ آمده است.

^۹ بیش از ۸۰ درصد از منابع موجود در انستیتوی نسخ خطی کشور آذربایجان به زبان فارسی نگاشته شده است و هر آنچه که به عنوان مفاخر تاریخی و ادبی از آن یاد می‌شود، آثار مربوطه یا تمامی و یا بخش عمده آن، به زبان فارسی تالیف گردیده است.

ردیف	نام	استقرار
۱	دانشکده‌های فیلولوژی، تاریخ و منطقه‌شناسی دانشگاه دولتی	باکو
۲	دانشکده علوم اسلامی دانشگاه اسلامی	باکو
۳	دانشگاه آزاد آسیایی	باکو
۴	دانشگاه آزاد علوم اجتماعی و سیاسی جمهوری آذربایجان	باکو
۵	دانشکده‌های فیلولوژی و تاریخ سمیناریوم دختران	باکو
۶	دانشگاه خزر	باکو

جدول شماره ۱۰: مراکز آموزش زبان فارسی در جمهوری آذربایجان

با وجود کوشش‌های صورت گرفته، هنوز آموزش زبان و ادبیات فارسی در جمهوری آذربایجان از گستردگی لازم و مطلوب برخوردار نیست و تدریس زبان و ادبیات فارسی در بسیاری از دانشگاه‌ها و مراکز علمی مانند دانشگاه تربیت معلم، دانشگاه اسلاویا، دانشگاه زبان‌های خارجی، دانشگاه دولتی گنجه و لنکران، دانشگاه قفقاز و دانشگاه توریسم به صورت تعطیل و یا نیمه تعطیل درآمده است. در مجموع، هم‌اکنون زبان و ادبیات فارسی در کمتر از ۱۰ درصد از مدارس جمهوری آذربایجان تدریس می‌شود. نفوذ برخی از جریان‌های پان‌ترکیستی و پان‌آذری و اعمال برخی سیاست‌های محدودسازی زبان فارسی از سوی وزارت تحصیلات جمهوری آذربایجان، همچنین ارائه تصویر نامناسب، تخریبی و غیر واقع‌بینانه‌ای از تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در سطح کتاب‌ها و منابع آموزشی جمهوری آذربایجان، عدم اطمینان لازم شغلی و درآمدی فراغ‌التحصیلان و استقبال دانشجویان آذری به فراگیری سایر زبان‌ها مانند انگلیسی، از جمله چالش‌ها و مشکلات مهم آموزش زبان فارسی و ایران‌شناسی در جمهوری آذربایجان به شمار می‌رود.

جمهوری ارمنستان

ایران‌شناسی و آموزش زبان فارسی به ویژه زبان‌های باستانی مانند پهلوی و میخی از سابقه بسیار طولانی در ارمنستان برخوردار است. اسناد تاریخی بسیاری حکایت از آن دارد که در سده‌های یازدهم و دوازدهم میلادی زبان فارسی در ارمنستان تدریس

شده است. اولین ترجمه یک اثر ایرانی دوران بعد از اسلام به زبان ارمنی، ترجمه‌ای از محمد زکریای رازی است، که اساس تألیف کتاب مخیتار هراتسی، پزشک معروف ارمنی در سده‌های دوازدهم میلادی قرار گرفت. یکی از رشته‌هایی که در سده نوزدهم توجه دانشمندان و محققان ارمنی را به خود جلب کرد، زبان‌های باستانی ایران، خصوصاً زبان پهلوی بود. پایه پهلوی‌شناسی در ارمنستان در این سده بنیان نهاده شد. از جمله ایران‌شناسانی که به این مهم اشتغال ورزیدند، روبن آبراهامیان بود. به‌طور کلی، مطالعات ایران‌شناسی در ارمنستان در سه مرکز جداگانه؛ یعنی، فرهنگستان علوم جمهوری ارمنستان، دانشگاه ایروان و مخزن دولتی نسخه‌های خطی ماتناداران، صورت می‌گیرد. فرهنگستان علوم ارمنستان، که مهم‌ترین مرجع علمی این جمهوری است، در ۱۹۴۳ در ایروان، دایر شد و دارای پنج شعبه با ۲۷ مؤسسه و شورای علمی است. دانشکده خاورشناسی دانشگاه ایروان، که در ۱۹۶۸ تأسیس شد، بخش دیگری از این فرهنگستان محسوب می‌شود. از ۱۹۴۰ که کرسی خاصی به نام زبان‌شناسی شرقی در این دانشگاه تأسیس شد، مطالعات ایران‌شناسی در آن شکل جدی‌تری به خود گرفت. بخش دیگر فرهنگستان علوم ارمنستان، مخزن دولتی ماتناداران است (یحیی مسیحی، ۱۳۸۹: ۳۵). گارنیک آساطوریان (بنیان‌گذار و سردبیر مجله علمی ایران‌نامه به زبان ارمنی و مجله بین‌المللی کردشناسی و ایران‌شناسی به زبان انگلیسی)، واهان بابیورتیان، وارطان و سکانیان، لوسیا قازاریان و ورژ پارسادانیان از جمله ایران‌شناسان مطرح ارمنستان به شمار می‌روند. با حمایت رایزنی فرهنگی و سفارت ایران در ارمنستان، اتاق‌های فرهنگی ایران و آموزش زبان فارسی در مراکز متعدد آموزشی و دانشگاهی این کشور تأسیس شده، که اسامی آنها در جدول‌های شماره ۱۱ و ۱۲ آمده است.

ردیف	محل استقرار	سال تأسیس	عناوین فعالیت‌ها
۱	دانشگاه دولتی ایروان- دانشکده شرق شناسی	-	فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی، محل برگزاری بزرگداشت‌ها یا نشست‌ها
۲	دانشگاه اسلاوونی	-	-
۳	دانشگاه زبان شناسی بریوسف	۱۳۸۱	آموزش زبان فارسی به عنوان واحد انتخابی

جدول شماره ۱۱: اتاق‌های ایران در جمهوری ارمنستان (شناخت‌نامه بنیاد سعدی، ۱۳۹۶: ۱۷۷)

ردیف	نام دانشگاه	وضعیت آموزش زبان فارسی		سال تاسیس رشته / واحد زبان فارسی
		عنوان رشته	تعداد دانشجویان	
۱	دانشگاه دولتی ایروان	ایران‌شناسی	-	۱۹۹۸
۲	دانشگاه هراچیا آجاریان	زبان و ادبیات فارسی	-	-
۳	دانشگاه اسلوونی	شرق‌شناسی	-	-
۴	دانشگاه بریوسف	شرق‌شناسی	-	۱۳۸۱
۵	دانشگاه وزارت دفاع	-	-	-
۶	دانشگاه داوید آنهاخت	شرق‌شناسی	-	۱۹۹۳
۷	دانشگاه لازاریان	شرق‌شناسی	-	۱۹۹۷

جدول شماره ۱۲: مراکز آموزش زبان فارسی در جمهوری ارمنستان (شناخت‌نامه بنیاد سعدی، ۱۳۹۶: ۱۷۴)

با وجود تحولات یاد شده، آموزش زبان و ادبیات فارسی و ایران‌شناسی در ارمنستان با مشکلات و چالش‌های متعددی از جمله مشکلات اقتصادی، عدم تامین و حمایت مالی لازم از سوی دولت و نبود چشم‌انداز روشن شغلی و درآمدی برای دانشجویان و فارغ‌التحصیلان این حوزه مواجه است.

ایران‌شناسی و آموزش زبان و ادبیات فارسی: اولویت فرهنگ یا اقتصاد؟

در رابطه با بسترها و ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی ایران در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز، مطالب بسیار زیادی از سوی کارشناسان و صاحب‌نظران در بیست و پنج سال گذشته مطرح شده است. به گونه‌ای که از «گفتمان فرهنگی - تمدنی» در کنار «گفتمان ایدئولوژیک» و «گفتمان ژئوپلیتیک» به عنوان یکی از گفتمان‌های اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز یاد می‌شود، که در

کانون آن مفهوم و ایده «جهان ایرانی» یا «ایران شهری» قرار دارد.^{۱۰} در چارچوب گفتمان فرهنگی-تمدنی، فروپاشی شوروی دارای اهمیت و ابعاد ژئوکالچر است. استقلال جمهوری‌های سابق شوروی، احیای بخش مهمی از جهان ایرانی را در دهه پایانی قرن بیستم موجب شده است و تولد کشورهای مستقل در آسیای مرکزی و قفقاز که زمانی بخشی از هسته مرکزی جهان ایرانی را تشکیل می‌داد، پایانی بر سیاست ایران زدایی از سوی شوروی در این حوزه تمدنی به شمار می‌رود. فرصتی که جمهوری اسلامی را قادر می‌سازد خلاء هویتی ناشی از اضمحلال فروپاشی شوروی را از طریق بازسازی و بازتولید هویت مشترک تاریخی-فرهنگی گذشته پر کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۵: ۱۲۵). در ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی، نگاه فرهنگی به این منطقه از سوی صاحب نظرانی چون عنایت‌الله رضا و ناصر تکمیل همایون مطرح شد. بیش از همه چنگیز پهلوان آن را در چارچوب «حوزه فرهنگی و تمدنی ایران» مطرح کرد (تکمیل همایون، ۱۳۸۳: ۵۳-۸۰).

اما واقعیات و روندهای موجود در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به ویژه وضعیت مراکز آموزش زبان فارسی و کرسی‌های ایران‌شناسی در منطقه گویای آن است که «گفتمان فرهنگی-تمدنی» بدون وجود زیرساخت‌های اقتصادی و حمایت‌های سیاسی عملاً امکان تحقق ندارد. وضعیت شکننده و سرد حاکم بر مناسبات دو سال گذشته ایران و جمهوری تاجیکستان به روشنی گویای این امر است که تنها با تاکید بر مسائل فرهنگی و تمدنی مشترک و اولویت قائل شدن به موضوع فرهنگ نمی‌توان امید به احیای جایگاه گذشته ایران در منطقه داشت. گسترش سریع کرسی‌ها و آموزش زبان چینی، عربی، کردی، ترکی استانبولی و انگلیسی و در مقابل تضعیف مراکز آموزش زبان فارسی و کرسی‌های ایران‌شناسی در آسیای مرکزی و قفقاز به روشنی گویای این

^{۱۰} نکته مهم در مفهوم و ایده «جهان ایرانی» یا «ایران شهری» این است که مرکز ثقل جهان ایرانی نیز دال متعالی «ایرانی بودن» است که به معنا و مدلول، کلیه مفاهیم و اهداف سیاست خارجی ایران را تعریف و تعیین می‌کند. مفهوم ایرانی بر پایه عناصر قومی، نژادی و زبانی خاص شکل نمی‌گیرد و فاقد هرگونه قوم‌مداری فرهنگی و ملی‌گرایی است زیرا درون جهان ایرانی، اقوام، نژادها و زبان‌های غیر فارسی و ادیان و مذاهب غیر اسلامی زندگی می‌کنند. مردمانی که در درجه نخست، تاریخ، تجربه تمدنی و ذهنیت مشترک آنان را به هم پیوند داده است و سپس دین و مذهب مشترک و سرانجام زبان و فرهنگ فارسی. جهان ایرانی براساس این دسته از عناصر و مولفه‌های فرهنگی تعریف می‌شود. از این‌رو، چشم‌پوشی از هر کدام از آنها به مثابه نادیده انگاشتن بخشی از ایران فرهنگی است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۵: ۱۲۴).

واقعیت است که ارتباط مستقیم و بسیار معناداری بین افزایش ضریب نفوذ اقتصادی و تجاری کشورها در سطح منطقه با افزایش استقبال مراکز آموزشی و دانشگاهی از آموزش زبان و فرهنگ و تمدن آنها وجود دارد.

به عنوان مثال، چین در منطقه آسیای مرکزی در دو دهه گذشته توانسته روسیه را به عنوان شریک نخست تجاری و اقتصادی پنج کشور این منطقه کنار بزند. متأثر از همین تحول، مراکز آموزش زبان چینی و مدارس کنفوسیوس در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی کشورهای آسیای مرکزی از رشد قابل توجهی برخوردار شده است. دانشجویان شاغل در این مراکز نه تنها پس از فارغ‌التحصیلی بلکه در دوران تحصیل به واسطه حضور گسترده شرکت‌های چینی از امکان اشتغال حتی به صورت پاره وقت برخوردار هستند و علاوه بر تامین هزینه‌های تحصیل به عنوان منبع درآمدی برای آینده‌زندی شخصی شان نیز محسوب می‌شود. اظهارات «داریگا نظربایوا»، معاون نخست‌وزیر و دختر رئیس جمهور قزاقستان مبنی بر اینکه «به موازات یادگیری زبان‌های قزاقی، روسی و انگلیسی در آینده نزدیک فراگرفتن زبان چینی یک ضرورت است»، به روشنی گویای این واقعیت است که زبان چینی تبدیل به یک زبان تجاری، درآمدزا و دارای کاربرد اقتصادی برای جوانان آسیای مرکزی تبدیل شده است. حمایت گسترده مالی دولت چین از مراکز آموزش زبان چینی و مدارس کنفوسیوس نیز چتر حمایتی بسیار مهمی است که در قالب بورسیه‌های تحصیلی و اعزام دانشجویان و اساتید کشورهای آسیای مرکزی به چین موجب تحرک و گسترش مراکز آموزش زبان چینی و آیین کنفوسیوس در سطح منطقه شده است.

ترکیه نیز از کشورهایی است که مسیر چین را در حوزه آسیای مرکزی و قفقاز پیموده است. در نگاه کلیشه‌ای و سنتی، عموماً به بهره‌گیری ترکیه از ظرفیت‌های زبانی، قومی و فرهنگی در قالب آموزه‌های پان‌ترکیسم اشاره می‌شود. اگر بتوان این موضوع را در رابطه با جمهوری آذربایجان و چهار کشور ترک زبان ازبکستان، قرقیزستان، قزاقستان و ترکمنستان پذیرفت، اما بدون تردید موفقیت قابل توجه فرهنگی ترکیه در دو کشور تاجیکستان و گرجستان مثال نقضی برای این نگرش کلیشه‌ای و سنتی است. ترکیه نخستین مقصد و شریک صادراتی تاجیکستان و سومین شریک وارداتی این کشور محسوب می‌شود و به دلیل همین سطح بالای مناسبات اقتصادی و تجاری به ویژه حضور گسترده شرکت‌های ترکیه‌ای در اقتصاد تاجیکستان است که کرسی‌ها و مراکز آموزش زبان ترکی استانبولی و ترکیه‌شناسی در این کشور و حضور دانشجویان

تاجیکی در دانشگاه‌های ترکیه افزایش قابل توجهی یافته است. وضعیت ترکیه در گرجستان نیز به همین ترتیب است. ترکیه سومین شریک صادراتی گرجستان و نخستین شریک وارداتی این کشور محسوب می‌شود. حضور گسترده اقتصادی ترکیه در اقتصاد گرجستان، افزایش حضور شرکت‌های خصوصی ترکیه‌ای و سطح بالای میزان رفت و آمد گردشگران ترک و گرجی از دو کشور موجب توسعه قابل توجه مراکز آموزش زبان ترکی استانبولی و ترکیه‌شناسی در گرجستان شده است و بسیاری از جوانان گرجی شاغل به تحصیل در این مراکز به عنوان مترجم، مشاور حقوقی و قراردادهای و راهنمای تورهای گردشگری از فرصت‌های شغلی و درآمدی مناسبی برخوردار شده‌اند. مشابه همین شرایط برای گسترش آموزش زبان عربی نیز صادق است که ارتباط مستقیمی با افزایش نفوذ و حضور اقتصادی کشورهایی مانند عربستان سعودی، امارات متحده عربی و قطر در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز دارد.

مجموع این تحولات و واقعیت گویای این واقعیت است که به دلیل سطح پایین حضور و نفوذ اقتصادی ایران به ویژه در دو بخش شرکت‌های خصوصی و عرصه گردشگری، زمینه و امکان مناسب برای فرصت‌های شغلی و درآمدزایی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان مراکز آموزش زبان فارسی و کرسی‌های ایران‌شناسی وجود ندارد و همین امر نقش بسیار مهمی در تضعیف این مراکز و کرسی‌ها و در مقابل تقویت کرسی‌های رقیب به ویژه کرسی‌های زبان چینی، ترکی استانبولی و عربی در روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز ایفا کرده است. به عنوان مثال، ولادیمیر ایوانف، از اعضای گروه ایران‌شناسی دانشگاه دولتی مسکو معتقد است:

«آن وقت تقاضای مترجم بسیار زیاد بود و حدود ۱۳۰ نفر دانشجوی زبان فارسی داشتیم اما الان کلیه گروه‌های انستیتو به ۴۰ نفر می‌رسد. بیشتر دانشجویان ما اکنون چین‌شناسی، ژاپن‌شناسی، عرب‌شناسی و... را مطالعه می‌کنند. اما در سال‌های ۱۹۸۰ بخش فارسی بسیار پراهمیت بود» (سایت آکادمی مطالعات ایرانی در لندن، ۲۸ آبان ۱۳۹۱).

دکتر صفر عبدالله، ایران‌شناس برجسته تاجیکی که در دانشگاه ابولیکان آلماتی در قزاقستان به تدریس زبان و ادبیات فارسی مشغول است، در رابطه با وضعیت کرسی‌های زبان فارسی در مقابل سایر زبان‌ها معتقد است:

«هر قدر روابط ایران با منطقه و قزاقستان بهتر باشد زبان فارسی بهتر آموخته می‌شود. بدیهی است که هر فارغ‌التحصیلی می‌خواهد یک جایی کار بکند، وقتی فارغ‌التحصیل‌های ما جایی برای کار پیدا نکنند درخواست‌ها کمتر می‌

شود. الان یکی از انگیزه‌هایی که اینجا خیلی زبان چینی یا کره‌ای می‌آموزند این است که صدها شرکت وجود دارد که برای فعالیت‌های خود نیاز به همکارانی دارند که زبانشان را بدانند و از این بابت حقوق خوب هم می‌دهند. از این مهم‌تر شرکت‌های چینی و کره‌ای دانشجویان را در دانشگاه ما (آبلاخان) که دانشگاه روابط بین‌الملل و زبان‌های دنیاست، بورسیه می‌کنند. یعنی این شرکت‌ها هر ساله به ۵ تا ۱۰ نفر پول بورسیه می‌دهند. آنها می‌خوانند و قرارداد می‌کنند که وقتی ما فارغ‌التحصیل شدیم برای شما خدمت می‌کنیم و پول را برمی‌گردانیم» (سایت فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۱ خرداد ۱۳۹۴).

مهدی کاظم‌اف، رئیس کرسی زبان و ادبیات فارسی و اتاق ایران در دانشگاه دولتی باکو نیز دیدگاهی مشابه صفر عبدالله را در رابطه با مشکلات کرسی‌ها و مراکز ایران‌شناسی و زبان فارسی را مطرح می‌کند:

«هم‌اکنون سایر رشته‌های زبانی، جذابیت‌های خاص اقتصادی برای دانشجویان و خانواده‌هایشان ایجاد می‌کنند ولی دانش‌آموختگان زبان فارسی در حال حاضر شغلی برای امرار معاش ندارند. این موضوع، مانع اساسی در گسترش زبان فارسی در حیطه و چارچوب دانشگاهی است. باید شرایطی فراهم شود تا فارغ‌التحصیلان زبان فارسی در شرکت‌های ایرانی به کار گرفته شود» (ایسنا، ۲۱ بهمن ۱۳۹۵).

نگارنده در بازدید از کرسی ایران‌شناسی در دانشگاه دولتی تفلیس از نزدیک شاهد تفاوت کمی و کیفی میان کرسی‌های ایران‌شناسی و ترکی استانبولی بوده است. دکتر نومادی بارتایا، رئیس بخش ایران‌شناسی دانشگاه دولتی تفلیس در تشریح این وضعیت اشاره داشت که کرسی ایران‌شناسی با وجود حمایت نهادهای مختلف ایرانی از جمله رایزنی فرهنگی ایران در گرجستان دارای دو اتاق (کتابخانه و کلاس درس) و با تعداد اندکی دانشجو است، اما اتاق‌های طبقه فوقانی کاملاً در اختیار کرسی ترکیه‌شناسی و آموزش زبان و ادبیات ترکی استانبولی است. این ایران‌شناس برجسته و باسابقه گرجی، علت اصلی این تفاوت را مسائل اقتصادی و جذابیت‌های مالی و شغلی فراگیری زبان و ادبیات ترکی استانبولی برای دانشجویان گرجی می‌داند.

نکته بسیار مهم دیگری که در تشدید مشکلات و چالش‌های مراکز آموزش زبان فارسی و کرسی‌های ایران‌شناسی بسیار تاثیرگذار بوده است، «روند خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی» در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز است که در سطوح

متفاوتی با توجه به ملاحظات اقتصادی و بودجه‌ای، کاهش هزینه‌های عمومی و توصیه نهادهای بین‌المللی در حال اجراست. در چنین شرایطی، چتر حمایتی دولت از رشته‌های دانشگاهی برداشته شده و دانشجویان برای ادامه تحصیل باید به دانشگاه شهریه پرداخت کنند. لذا خانواده‌ها و جوانان با نگاه اقتصادی‌تری به رشته‌های تحصیلی توجه می‌کنند و امکان بازگشت سرمایه و دست‌یابی به شغل و منبع درآمد پایدار را به عنوان یک ملاک مهم مورد توجه و ملاحظه قرار می‌دهند. طبیعی است که در چنین شرایطی کرسی‌های ایران‌شناسی و مراکز آموزش زبان و ادبیات فارسی به دلیل عدم برخوردار بودن از چشم‌انداز شغلی و درآمدی روشن و مشخص، جایگاه و مطلوبیت خود را در بین جوانان آسیای مرکزی و قفقاز از دست می‌دهند و در مقابل زبان و ادبیات چینی، ترکی استانبولی و عربی در اولویت انتخاب جوانان این منطقه قرار می‌گیرد. دکتر صفر عبدالله، ایران‌شناس برجسته تاجیکی در رابطه با تاثیر روند خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها بر وضعیت ایران‌شناسی و آموزش زبان فارسی در قزاقستان معتقد است:

«در قزاقستان دانشگاه‌ها، به جز چند دانشگاه ملی، همه دارند خصوصی می‌شوند. وقتی که خصوصی شوند بورسیه نمی‌شوند و از دانشجویان مثل هر کشور دیگری پول هنگفتی می‌گیرند. برای یک سال حدود ۳۰۰۰۰ و یا ۴۰۰۰۰ دلار از دانشجو می‌خواهند. بسیاری از دانشجویان متأسفانه امکان پرداخت این پول را هم ندارند. زمانی بود که در ۷-۸ دانشگاه، گروه‌های زبان فارسی بود که همه این‌ها را بستند. در شهر ترکستان کرسی زبان فارسی بود، در شهر طراز کرسی زبان فارسی بود، در شهر آستانه کرسی زبان فارسی بود و در چند دانشگاه آلمانی نیز آموزش زبان فارسی برقرار بود. یا باید دولت قزاقستان بورسیه کند یا شرکت‌ها. مثلاً کسانی که زبان‌های اروپایی در دانشگاه ما می‌آموزند هم از طرف شرکت‌های اروپایی و هم شرکت‌های آسیایی مثل چین، کره و ترکیه بورسیه می‌شوند. اعراب هم اینجا نفوذ زیادی دارند. خیلی کشورهای عربی رایزنی فرهنگی دارند. در این میان رایزنی فرهنگی مصر بسیار فعال است. کلاً، کشورهای عربی به نسبت ایران فعالیت بیشتری می‌کنند، این‌ها پیوسته کتاب می‌آورند و دانشجویان بیشتری دارند» (سایت فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۱ خرداد ۱۳۹۴).

مجموع این تحولات و واقعیت گویای آن است که با رویکردهای سنتی و با تکیه صرف بر پیشینه طولانی و اشتراکات فرهنگی، قومی و زبانی نمی‌توان در عرصه

تحولات فرهنگی و اجتماعی مناطق آسیای مرکزی و قفقاز موفقیتی را حاصل کرد. بدون آنکه بخواهیم وارد تفسیری مارکسیستی از زیربنا بودن اقتصاد و رو بنا بودن فرهنگ و سیاست شویم، اما باید پذیرفت که واقعیات کنونی و تغییر نیازها و شرایط کشورهای منطقه به ویژه نسل جوان و جویای شغل و درآمد در این کشورها به موازات حضور گسترده اقتصادی رقبای ایران مانند چین، ترکیه و کشورهای عربی، اولویت و تاثیرگذاری عنصر اقتصاد بر فرهنگ را به روشنی اثبات می‌کند.

نتیجه‌گیری

مجموع مباحث مطرح شده در این مقاله گویای آن است که وضعیت آموزش زبان و ادبیات فارسی و ایران‌شناسی در هشت کشور منطقه آسیای مرکزی و قفقاز از یک سطح برخوردار نیست و با توجه به ملاحظات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دولت‌های منطقه و نیز سیاست‌ها و رویکردهای نهادهای متولی ایرانی در این حوزه (سفارت، رایزنی‌های فرهنگی، بنیاد سعدی، بنیاد ایران‌شناسی و معاونت توسعه و گسترش زبان فارسی در خارج از کشور وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) با نقاط ضعف و قوت مختلفی مواجه است. در رابطه با وضعیت آموزش زبان و ادبیات فارسی و ایران‌شناسی در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز مطالعات آسیب‌شناسانه مختلفی صورت گرفته است و معمولاً به مواردی مانند کمبود استاد ایرانی زبان فارسی، فقدان منابع کافی اطلاعاتی و علمی، کمبود منابع مناسب آموزشی و کمک آموزشی و عدم ارائه امکانات تکنولوژیکی روز در زبان فارسی، عدم حمایت مالی دولت‌های منطقه، عدم انسجام و وحدت رویه و هماهنگی لازم در نهادهای متولی و مسئول این حوزه در داخل ایران و سطح منطقه و مشکلات شغلی و درآمدی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان زبان و ادبیات فارسی و ایران‌شناسی اشاره می‌شود. همچنین مواردی مانند ضرورت حمایت مالی و معنوی از سوی دولت ایران و دولت‌های منطقه از مراکز آموزش زبان و ادبیات فارسی و کرسی‌های ایران‌شناسی، اعطای فرصت‌های مطالعاتی و بورسیه‌های تحصیلی و تجهیز سخت افزاری و نرم‌افزاری این مراکز به عنوان راهکارهای پیشنهادی برای تقویت مراکز آموزش زبان و ادبیات فارسی و کرسی‌های ایران‌شناسی در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز مطرح می‌شود.

اما واقعیت آن است که راهکار اصلی و ریشه‌ای در این زمینه، «عبور از رویکردهای سنتی و ورود به فرایند «تجاری‌سازی» است. با توجه به تجربه موفق کشورهایمانند

چین، ترکیه و برخی کشورهای عربی باید این واقعیت را پذیرفت که گسترش زبان و ادبیات و کرسی‌های کشورشناسی ارتباط مستقیم و نزدیکی با میزان و سطح نفوذ اقتصادی و تجاری یک کشور در سطح منطقه دارد. علاقه‌مندی اساتید، کارشناسان و دانشجویان آسیای مرکزی و قفقاز به تاریخ، تمدن و فرهنگ ایران و بزرگانی مانند حافظ، سعدی، خیام، فردوسی و تحولات مدرن در شعر و ادبیات، فرهنگ و تحولات سیاسی ایران معاصر، واقعیتی انکارناپذیر است و یکی از بسترها و سرمایه‌های مهم دیپلماسی عمومی و فرهنگی ایران در منطقه محسوب می‌شود. اما باقی ماندن در این سطح و کم‌توجهی به بعد تجاری و بازرگانی زبان فارسی موجب شده است که مراکز آموزش زبان فارسی و کرسی‌های ایران‌شناسی به تدریج از نسل جوان خالی شده و عمدتاً افراد میان‌سال و کهن‌سالی که عاشق فرهنگ و تمدن ایران هستند در این مراکز و کرسی‌ها باقی بمانند.

با توجه به این تحولات، تنها راه عملی، ریشه‌ای و پایدار برای تقویت مراکز آموزش زبان و ادبیات فارسی و کرسی‌های ایران‌شناسی در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، افزایش حضور اقتصادی ایران در منطقه است. تجربیات گذشته و کشورهای رقیب ایران گویای آن است که حضور اقتصادی محدود و دولتی پاسخگوی این موضوع نیست و تنها با حضور گسترده بخش خصوصی، شرکت‌های مختلف ایرانی، لغو روادید یا حداقل ایجاد تسهیلات در زمینه صدور روادید و تقویت بخش گردشگری، می‌توان شرایطی را ایجاد کرد تا دانشجویان و فارغ‌التحصیلان مراکز آموزش زبان و ادبیات فارسی و کرسی‌های ایران‌شناسی بتوانند به عنوان مترجم، مشاور حقوقی و قراردادهای راهنمای تورهای گردشگری از فرصت‌های شغلی و درآمدی مناسبی برخوردار شوند. در این راستا، برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت آموزش زبان فارسی با رویکرد زبان تجاری و بازرگانی به ویژه راهنمای تورهای گردشگری، برقراری ارتباط نظام‌مند و مستقیم میان دانشجویان و فارغ‌التحصیلان مراکز آموزش زبان و ادبیات فارسی و کرسی‌های ایران‌شناسی با شرکت‌های ایرانی، اعطای بورسیه‌های تحصیلی و حمایت مالی در کوتاه مدت به ویژه با توجه به روند خصوصی‌سازی دانشگاه‌های منطقه و مطالعه و بررسی دقیق شیوه‌های کشورهای رقیب برای گسترش مراکز آموزش زبان و ادبیات، از جمله شبکه آموزشی و فرهنگی ترکیه به ویژه در دوران فعالیت فتح‌الله گولن، بنیاد گوته آلمان در آسیای مرکزی به ویژه در قزاقستان و مراکز آموزش زبان چینی و آیین کنفوسیوس و نحوه تجاری‌سازی و درآمدزایی زبان‌های ترکی استانبولی، چینی و عربی در کشورهای

آسیای مرکزی و قفقاز از جمله راهکارهایی است که می‌تواند در دستور کار سیاست‌گذاران ایرانی و نهادهای متولی آموزش زبان و ادبیات فارسی و کرسی‌های ایران‌شناسی در سطح این مناطق قرار گیرد.

منابع

- سازمانده، بهاره و علی اشرف نظری (۱۳۸۵). *راهنمای مراکز و پژوهشگران ایرانی*، تهران: انتشارات تمدن ایرانی (وابسته به موسسه مطالعات ملی).
- شناخت‌نامه زبان فارسی در جهان (۱۳۹۶). معاونت امور بین‌الملل بنیاد سعدی.
- عبدالصمداف، ملک و جعفر محمد خالموناف (۱۳۸۴). *ایران‌شناسان ازبکستان*، تاشکند: رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ازبکستان.
- کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۹۶). *ایران و جمهوری‌های قفقاز جنوبی*. تهران: موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس).
- مفتاح، الهامه و وهاب ولی (۱۳۷۲). *نگاهی به ایران‌شناسی و ایران‌شناسان کشورهای مشترک المنافع و قفقاز*. تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- ملا احمد عمر، میرزا (۱۳۹۶). *آثار ایران‌شناسی*، دوشنبه: پژوهشگاه فرهنگ فارسی-تاجیکی و سفارت ایران در تاجیکستان.
- انعام خواجه‌اف، رحمان (۱۳۷۸). «آموزش زبان فارسی در دوره معاصر در ازبکستان»، *فصل‌نامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ش ۲۸.
- آتاخانف، آواز بیک (۱۳۸۱). «مراحل اساسی گسترش زبان فارسی و ایران‌شناسی در جمهوری قرقیزستان»، *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ایران‌شناسی: مسایل عمومی ایران‌شناسی*، تهران.
- تکمیل همایون، ناصر (۱۳۸۳). «نقش فرهنگ و تمدن ایرانی در اوراسیا»، *فصل‌نامه فرهنگ و اندیشه*، س ۳، ش ۹.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۵). «گفتمان‌های سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز»، *ماه‌نامه ایراس*، س ۱، ش ۲.
- کسایف (۱۳۸۱). «ایران‌شناسی در قزاقستان»، *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ایران‌شناسی: مسایل عمومی ایران‌شناسی*، تهران.
- محمدوا، ملاحظ (۱۳۸۱). «وضع آموزش زبان فارسی در قرقیزستان»، *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ایران‌شناسی: مسایل عمومی ایران‌شناسی*، تهران.
- نریمانی، امیر رضا و دیگران (۱۳۹۶). «شناسایی عوامل و موانع برون‌سازمانی دانشگاه در تجاری سازی پژوهش‌های علوم انسانی»، *فصل‌نامه فرایند مدیریت و توسعه*، دوره ۳۰، ش ۱، پیاپی ۹۹، بهار ۱۳۹۶.
- یحیی مسیحی، آنهید (۱۳۸۹). «پیشینه ایران‌شناسی در ارمنستان»، *فصل‌نامه فرهنگی پیمان*، ش ۵۲، س ۱۴.
- بختیار محمودپور، طراحی مدل تجاری‌سازی تحقیقات علوم انسانی با تاکید بر حوزه مدیریت آموزشی و با رویکرد صنعت مشاوره مدیریت، رساله دکتری رشته مدیریت آموزشی، تهران: دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۱.
- علیرضا سلیمان‌زاده، «مطالعات ایران‌شناسی در گرجستان»، سایت فرهنگ امروز، ۱۳۹۲. <http://farhangemrooz.com/news/>
- «وضعیت ایران‌شناسی در روسیه در گفت‌وگو با ولادیمیر ایوانف»، *آکادمی مطالعات ایرانی در لندن*، ۲۸ آبان ۱۳۹۱.

- «زبان و ادب فارسی در قزاقستان امروز در گفت‌وگو با صفر عبدالله»، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۱ خرداد ۱۳۹۴.
- «بررسی روند آموزش زبان فارسی در جمهوری آذربایجان»، خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، ۲۱ بهمن ۱۳۹۵.

- Etzkowitz, H. (2003). "Research Groups as 'Quasifirms': The Invention of the Entrepreneurial University", *Research Policy*, 32(1).
- Ra smussen, E. & Gulbrandsen, G. (2006). "Initiatives to Promote Commercialization of University Knowledge", *Technovation*, 26(4).

